

## مهریه در فقه و نظام حقوقی ایران و ضمانت اجرائی آن

کبری فیضی: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

### چکیده:

در دوران ماقبل از تاریخ، رواج مادر سالاری، نفقه زن معنی نداشت بلکه زن صاحب اصلی خانواده و فرزندان بود، اما با رواج پدر سالاری، نیاز زن به امکانات مناسب برای زندگی و نیازهای فردی او بیشتر شد که این نیازها توسط خود زن و نیز توسط مرد و یاهر دو، برآورده می شد. با ظهور ادیان الهی و بالاخص اسلام برای تشدید پایه های خانواده، ریاست این گروه بر عهده مرد نهاده شد و قانونگذار او را موظف به تامین معاش خانواده نمود. پس این ریشه شرعی دارد، نه قراردادی، ماده ۱۱۰۶ ق.م. به این مساله اشاره دارد.

بررسی فقهی و حقوقی نفقه زن، ماهیت دلایل قرار دادن نفقه بر عهده مرد، ضمانت اجرای نفقه زوجه و حق مالکیت زن نسبت به نفقه، از جمله اموری است که از لحاظ فقهی و حقوقی و اجتماعی حائز اهمیت فراوان می باشد. از این رو در این مقاله به روش مرور، به منابع معتبر کتابخانه ای به آنها پرداخته خواهد شد. بدون شک حاصل این کار پژوهشی، برخی از شبهات در این عنوان پر کاربرد را برطرف خواهد کرد.

راستی نفقه چیست؟ و چرا علی رغم بهره مندی زن و شوهر از مواهب زندگی مشترک مرد باید هزینه سنگین مالی امر ازدواج را بر دوش گرفته و بپردازد؟  
تعهد مرد نسبت به پرداخت آن چه پیامدهایی دارد؟

و همچنین عدم توجه مرد به این موضوع و عدم اجرای این تعهد چه پیامدهای بدنبال خواهد

داشت؟

کلید واژه: نفقه، ماهیت، نشوز، تمکین

مقدمه

در عصر جاهلیت برای زنان ارزشی قائل نبودند و مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار اولیای زنان قرار می دادند و آن را حق مسلم آنها می دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را، ازدواج زن دیگری قرار می دادند. (نکاح شغار) همچنانکه زن را بعنوان مال محسوب کرده، نه تنها به او ارثی نمی دادند که خود او را نیز به عنوان میراث به ارث می بردند.

اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید و مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد و در آیات قرآن کراراً مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرد. در اسلام و به تبع آن در حقوق مدنی ایران برای مهر مقدار معینی تعیین نشده است و مقدار آن به توافق دو همسر یا نظر شخص ثالث با توافق دو همسر موکول شده است اگر چه در روایات فراوانی تأکید شده که مهر را سنگین قرار ندهند ولی این حکم از باب وجوب و الزام نبوده بلکه مستحب است. لیکن با توجه به فلسفه قرارداد مهر در عقد نکاح و آثار سوء و مشکلات و اختلافات بسیاری که بواسطه قرارداد مهریه سنگین در زندگی اجتماعی و خانوادگی زوجین بوجود می آید شایسته است که مردان و زنان در این خصوص اندکی تأمل نموده و با قبول یا پیشنهاد نمودن ارقام سنگین بعنوان مهریه مقدمات عدم پرداخت یا مقروض بودن دائم مردان را فراهم نمایند چرا که سنگ بزرگ علامت نزدن است.

در مقاله حاضر که درباره مهریه مطالبی بیان شده است ابتدا تاریخچه مهریه از دیدگاه استاد مطهری ذکر شده و سپس درباره واژه مهر و تعریف و اقسام آن توضیحاتی ارائه شده است و بدنبال آن مطالبی درباره ضمانت اجرائی شرایط صحت مهریه و نیز حکم مواردی که مهرالمسمی معیوب بوده و یا تلف گردد بیان شده است.

و در پایان نتیجه مقاله قید شده و نتایجی چند در خصوص مهریه و رسوم بودن آن در جامعه اسلام گرفته شده است و مختص نمودن آن به زن حاکی از آن می باشد که زن در جامعه اسلام بی ارزش و بی اهمیت نبوده بلکه از امتیازات خاصی هم بهره مند است و برخلاف نظر کسانی که مخالف با این حکم می باشند بهای فروش زن هم نمی باشد تا بحث حذف و برداشتن آن هم مطرح گردد.

#### تاریخچه مهریه<sup>(۱)</sup>

در ادوار ماقبل تاریخ که بشر به حال توحش می زیسته و زندگی شکل قبیله ای داشته، به علل نامعلومی (که البته امروزه بطور کامل علل آن معلوم شده است) ازدواج با همخون جائز شمرده نمی شده است. جوانان قبیله که خواستار ازدواج بوده اند ناچار بوده اند از قبیله دیگری برای خود همسر انتخاب کنند. در آن دوره ها مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف نبوده است پس فرزندان را نیز فرزند خود نمی دانستند و آنها را از آن مادران می دانستند و این دوره همانست که به دوره «مادرشاهی» معروف می باشد.

دیری نپائید که مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف شد و خود را صاحب اصلی فرزند شناخت. از این زمان زن را تابع خود ساخت و ریاست خانواده را به عهده گرفت و به اصطلاح دوره «پدرشاهی» آغاز شد در این دوره نیز ازدواج با همخون جائز نمی شد و مرد ناچار بود از میان قبایل

دیگر برای خود همسر انتخاب کند و به میان قبیله خود بیاورد و چون همواره جنگ و درگیری در میان قبایل حکمفرما بود انتخاب همسر از راه ربودن دختر صورت می گرفت. تدریجاً صلح جای جنگ را گرفت و قبایل مختلف توانستند همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. در نتیجه رسم ربودن دختران منسوخ شد و مرد برای اینکه دختر مورد نظر خویش را بدست آورد به میان قبایل دختر می رفت و اجیر پدر زن می شد و مدتی برای او کار می کرد و پدران در ازاء خدمت داماد، دختر خویش را به او می دادند و او آن دختر را به میان قبیله خویش می برد. تا اینکه ثروت زیاد شد در این زمان مرد دریافت که به جای اینکه سالها برای پدر عروس کار کند بهتر است که یکجا هدیه لایقی تقدیم او کند و دختر را از او بگیرد و اینکار را انجام داد و از این زمان «قهر» پیدا شد.

بنابراین در مراحل اولیه مرد بعنوان طفیلی زن زندگی می کرده و خدمتکار زن بوده است. در این دوره زن بر مرد حکومت می کرده است. در مرحله بعد که حکومت بدست مرد افتاد، مرد زن را از قبیله خود می ربوده است.

در مرحله سوم مرد برای اینکه زن را به چنگ آورد به خانه پدرزن می رفته و سالها برای او کار می کرده است. در مرحله چهارم مرد مبلغی بعنوان «پیشکش» تقدیم پدرزن می کرده است در سهم «مهر» از اینجا ناشی شده است.

به عقیده استاد مرتضی مطهری پدیدآمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر بکار رفته است. مهر از آنجا پیدا شده که در متن خلقت نقش هر یک از زن و مرد در مسئله عشق مغایر نقش دیگری است. عرفا این قانون را به سراسر هستی سرایت می دهند. می گویند عشق و جذب و انجذاب بر سراسر موجودات و مخلوقات حکومت می کند، با این خصوصیت که موجودات و مخلوقات از لحاظ اینکه هر موجودی وظیفه خاصی را باید ایفا کند متفاوتند.

سوز در یک جاروساز در جای دیگر قرار داده شده است.

قانون خلقت به جمال و غرور و بی نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است. ضعف مرد در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که هموار مرد از زن خواستگاری نماید.

دانشمندان می گویند: مرد در مقابل غریزه از زن ناتوان تر است. این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس مرد را وادار کرده است که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید.

یکی از آن اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او هدیه ای نثار او می کرده است. همین ها سبب شده که زن توانسته با همه ناتوانی جسمی، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشد. مردها را به رقابت با یکدیگر وادارد و آنها را وادار به دوئل کند و ...<sup>(۲)</sup>

**تعریف مهر**

مهر یا صداق که به فارسی کابین هم گفته شده است مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود.<sup>(۳)</sup>

مهر بر وزن شهر مال (و یا چیزی که قائم مقام مال باشد) معینی است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح میدهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد.<sup>(۴)</sup>

قهر کلمه ای عربی است که در قانون مدنی بکار رفته است و همچنانکه گفته شد در فارسی به آن کابین نیز می‌گویند و در قرآن مجید به معنی صداق و نحله<sup>(۵)</sup> نیز بکار رفته است. همچنانکه در آیه ۴ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید: «وَاتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَأَنْ طِبَّنْ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَقَسًا فَلَکُوهُ هُنِيئًا قَرِيئًا.» و مهر زنان را (بطور کامل) به عنوان بدهی (یا عطیه) به آنها بپردازید و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

در تفسیر آیه در تفسیر نمونه چنین آمده است: «نحله» در لغت به معنی بدهی و دین آمده، و به معنی بخشش و عطیه نیز هست، «راغب» در کتاب مفردات می‌گوید: به عقیده من این کلمه از ریشه «نحل» به معنی زنبور عسل آمده است زیرا بخشش و عطیه شباهتی بکار عسل در دادن عسل دارد.

صدقاتهن جمع صداق به معنی مهر است. آیه فوق بدنبال بخشی که در آیه قبل<sup>۳</sup> بوده، اشاره به یکی از حقوق مسلم زنان می‌کند و تاکید می‌نماید که «مهر زنان را بطور کامل همانند یک بدهی بپردازید» یعنی همانطور که در پرداخت سایر بدهی مراتب هستید که از آن چیزی کم نشود، در مورد پرداخت مهر نیز باید همان حال را داشته باشید (این در صورتی است که «نحله» را به معنی بدهی بگیریم) و اگر به معنی عطیه و بخشش باشد تفسیر آیه چنین خواهد: «مهر را که یک عطیه الهی است و خدا بخاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسمی او از این راه جبران گردد بطور کامل اداء کنید»<sup>(۶)</sup>

بنابراین درباره تعریف مهر و مهریه می‌توان گفت: مالی است که در نتیجه عقد ازدواج با توجه به موقعیت اجتماعی و شخصیت زوجه و صفات و خصوصیات او از طرف شوهر به زن تسلیم می‌گردد یا به ملکیت او در می‌آید که ممکن است عین معین باشد مثل آپارتمان، باغ یا مقداری طلا و یا منافع مالی مانند اجاره ملکی و یا منافی که از کار یا خدمات شخصی عاید می‌شود که مرد مکلف و ملزم است هر وقت زن آن را مطالبه نماید به وی تسلیم کند مگر اینکه موعده پرداخت یا تسلیم به وقت معینی موکول شده باشد که به آن مؤجل می‌گویند<sup>۷</sup> در مقابل حال.

### خصوصیات و ویژگیهای مهریه

طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان قهر قرار داد» باتوجه به ماده ۱۰۷۸ قهریه باید دارای شرایط و ویژگیهای زیر باشد.<sup>(۸)</sup>

۱- مالیت داشته باشد

۲- قابل تملیک و تملک باشد

۳- معلوم باشد

۴- مقدار آن به تراضی طرفین تعیین شده باشد

- ۵- به محض وقوع عقد زن مالک آن می شود و می تواند هر تصرفی در آن بنماید .
- ۶- هر گاه مهریه عین معین باشد و معلوم گردد که قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از اینکه به زن تسلیم شده باشد تلف گردیده و یا ناقص شده باشد شوهر ضامن عیب و تلف آن خواهد بود.

### مهریه در حقوق ایران

مسئله مهر در ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن را در حقوق غربی نمی توان یافت. اگرچه تعیین مهرهای سنگین که به تازگی مرسوم شده، عیوبی دارد و بویژه می توان آن را سدی در راه تشکیل خانواده محسوب داشت.

معهدنا مهر که از جانب مرد به زن داده می شود می تواند کمبود سهم الارث زن را در حقوق ما تا حدی جبران کند. به علاوه مهر در عرف نشانه ارج و احترامی است که مرد برای زن قائل است و مظهر تعهد شوهر برای تأمین زندگی زن است. گاهی مهر، که معمولاً هنگام انحلال ازدواج مطالبه می شود مانع گسستن پیوند زناشویی می گردد و تضمینی برای دوام ازدواج به شمار می آید. همچنین در صورت وقوع طلاق نیز گاهی مالی که زن به عنوان مهریه می گیرد در زندگی او بسیار مؤثر است و مانع پریشانی و درماندگی وی می گردد.

مهر برخلاف آنچه بعضی از غربیان تصور کرده اند، بهای فروش زن نیست زیرا: اولاً هیچکس نمی تواند خود یا دیگری را در مقابل مالی بفروشد و از زمانی که برده فروشی لغو شده انسان هرگز موضوع حق واقع نمی شود، بلکه همیشه طرف حق است. ثانیاً در خرید و فروش، قیمت باید هنگام معامله معین و معلوم باشد و گرنه قرارداد باطل است. لیکن در نکاح دائم تعیین مهر شرط صحت قرارداد نیست و ممکن است نکاح بدون مهر واقع گردد. در اینصورت زن پس از زناشویی مستحق مهرالمثل خواهد بود.<sup>(۹)</sup>

### تفاوت مهریه با شیربها و باشلق<sup>(۱۰)</sup>

مهر که امر حقوقی است با شیربها یا باشلق که در برخی از نقاط، شوهر علاوه بر مهریه به پدر و مادر یا خویشان دیگر زن می دهد، تا موافقت آنان را برای ازدواج جلب کند ، تفاوت دارد. چه مهر مالی است که از آن زن و به یک تعبیر، هدیه ای است که شوهر به زن می دهد و خویشان زن را حقی نسبت به آن نیست.

امروزه در بعضی از نقاط ایران عنوان شیربها وجود دارد ولی در واقع جزئی از مهر است که نقداً به وسیله ولی و برای او دریافت می شود و به مصرف تهیه جهیزیه او می رسد. بنابراین مفهوم شیربها و باشلق در بعضی جاها به مرور زمان دگرگون شده است.

### اقسام مهریه

در رابطه با اقسام مهریه در متون فقهی و حقوقی با عناوین ذیل مواجه می گردیم:

۱- مهرالمسمی

۲- مهرالمثل

۳- مهرالمتع

۴- مهرالسنة

۵- مهر نامچه

۱- مهرالمسمی<sup>(۱۱)</sup>

مهریه ای است که میزان آن به هنگام عقد نکاح معین شده و از آن نام برده شده است. (دکتر فیض- علیرضا- مبادی فقه و اصول- ص ۳۷۷) مرسوم است که زن و شوهر ضمن عقد نکاح در باب میزان و نوع مهر باهم توافق می کنند، یعنی در کنار عقد نکاح، قرارداد دیگری نسبت به چگونگی اجرای الزام مرد به دادن مهر منعقد می سازند.

این قرار داد تبعی تابع قواعد عمومی سایر معاملات است و موضوع آن تنها جنبه مالی دارد، زیرا بدین وسیله مرد مالی را از بابت الزام قانونی خود به زن تملیک می کند که بدان مهرالمسمی گفته می شود. ممکن است مهرالمسمی عین معین باید در اینصورت مهر المسمی باید در ضمن عقد موجود باشد و نیز باید مالیت داشته و قابل نقل و انتقال باشد و بین طرفین تا حدی که رفع جهالت کند معلوم و معین گردد و نیز مرد باید قدرت برتسلیم مهر را داشته و مالک آن باشد.

مهر المسمی ممکن است عین معین باشد (مانند خانه معین) یا کلی (مانند مقداری پول) و نیز می توان حق مالی یا منفعت یا انجام کار معین را مهر زن قرار داد. همچون آموختن علم یا صنعت خاص یا حق انتفاعی را که مرد در ملک دیگری دارد مهر زن قرار دهد. پس بطور کلی، هر چه به مالکیت انسان درآید ممکن است مهر قرار داده شود.

تعیین مقدار مهر نیز به تراضی طرفین واگذار شده است و آنان می توانند خود عهده دار تعیین مهر شوند یا به تراضی، شخص ثالثی را برای این منظور معین کنند. مانند اینکه ضمن نکاح شرط شود که تعیین مقدار مهر با پدر عروس یا پدر داماد باشد در اینصورت داور انتخاب شده برای تعیین مهر آزاد است هر مقدار که صلاح بداند مهر المسمی معین می کند. ولی اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی تواند بیش از آنچه بطور معمول برای امثال او مهر معین می کنند نظر بدهد. (۱۰۹۰)

هر گاه در عقد نکاح زنی تعیین میزان مهریه به یکی از زوجین یا دیگری واگذار شود در اصطلاح بدان (مفوضه المهر) گفته می شود به این اعتبار که زن اختیار تعیین مهر را به دیگری تفویض کرده است.

### مقدار و میزان مهرالمسمی

درباره اینکه مهرالمسمی چه مقدار و میزانی باشد قانون مدنی آن را به توافق و تراضی زوجین موکول نموده است و دارای حداقل و حداکثری نمی باشد. جز اینکه زن و شوهر در مقدار آن توافق بنماید. منتهی چون پس از وقوع عقد زن مالک آن می شود و می تواند هر تصرفی در آن بنماید عقلاً و منطقاً باید به مقداری باشد که شوهر بتواند آن را به زن تسلیم نماید. زیرا اگر زن پس از وقوع عقد از شوهر مهریه خود را مطالبه نماید با این توضیح که چنانچه مهریه به وی تسلیم نشود از انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد خودداری خواهد نمود.

در صورتی که مهر او حال باشد شوهر باید آن را به وی تسلیم نماید. و اگر مرد قادر به تسلیم نباشد ضمن اینکه نفقه هم به زوجه تعلق می گیرد شوهر ( دچار مشکل ) می شود، به این لحاظ در تعیین مقدار مهریه باید جوانب احتیاط و اعتدال در نظر گرفته شود تا پس از عقد مشکلی برای شوهر به وجود نیاید.

اما اگر زن پس از عقد و قبل از اینکه مهر خود را مطالبه نماید به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر خود دارد عمل نماید و ارتباط زناشویی برقرار گردد دیگر نمی تواند از ایفاء این وظیفه خودداری نماید. اما حق مطالبه وی در مورد مهریه از شوهرش باقی است و می تواند مهریه خود را از شوهر اخذ نماید.<sup>(۱۲)</sup>

در حقوق، در خصوص حداقل و حداکثر مهر، مقدار معینی تعیین نشده است و در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی آمده است « تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است ».

قانون مدنی در خصوص مقدار مهریه از قول مشهور فقهای امامیه پیروی کرده است. قول دیگری که بعضی از فقهای بزرگ امامیه مانند سیدمرتضی و شیخ صدوق پذیرفته اند آن است که مقدار مهر نباید از مهر سنت تجاوز کند .

#### تعیین طلا به عنوان مهر المسمی

گاهی مقداری طلا مثلاً ۵۰ مثقال طلای هیجده عیار یا یکصد سکه بهار آزادی به عنوان مهر تعیین و همرا با قیمت روز عقد به ریال در سند نکاح ذکر می شود مساله قابل بحث این است که هنگام مطالبه مهر به عنوان مهر تعیین و همراه با قیمت تعیین یا قیمت روز پرداخت را بخواهد یا فقط قیمتی را که برای آن در سند نکاح ذکر شده می تواند مطالبه کند . بدیهی است که با توجه به تورم و افزایش شدید قیمتها و فاصله معمولاً زیاد بین عقد ازدواج و مطالبه مهر مساله حائز کمال اهمیت است.

در پاسخ به این سؤال یک نظر این است که تنها قیمت ریالی که مورد توافق طرفین قرار گرفته است قابل مطالبه است چه اگر آنان می خواستند عین طلا مهر زن و قابل مطالبه باشد. اقدام به تقویم آن به ریال نمی کردند. لیکن این نظر با عدالت و انصاف و عرف و عادت که مفسر اراده طرفین است وفق نمی دهد.

هنگامی که زوجین مقداری طلا یا سکه به عنوان مهر تعیین می کنند هدف آنان ظاهراً این است که زن از خطر تورم و تنزل ارزش پول رایج مصون باشد و گرنه چه دلیلی دارد که مقداری طلا یا سکه به عنوان مهر تعیین کنند.

اگر مقصود آن باشد که زن فقط حق مطالبه ریالی طلا را داشته باشد، ذکر مقداری طلا یا سکه به عنوان مهر بی فایده خواهد بود. بنابراین با توجه به عرف نکاح تعیین ارزش طلا یا سکه در زمان عقد ممکن است از لحاظ تعیین مبلغ حق التحریر سودمند باشد. ولی زن مستحق عین طلا یا سکه تعیین شده است و می تواند شوهر را ملزم به تأدیه عین یا بهای زمان پرداخت نماید.

بعضی از فقها و مراجع تقلید نیز در همین جهت فتوی داده اند. شورای عالی قضائی سابق نیز همین نظر را پذیرفته و براساس آن بخشنامه شماره ۲۷۳۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۳۱ از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر شده است.<sup>(۱۳)</sup>

## ۲- مهرالمثل

در ماده ( ۱۰۹۱ ) قانون مدنی آمده است « مهرالمثل به مهری گفته می شود که مقدار آن با رعایت، حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقران و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. »  
بنابراین میزان مهرالمثل برحسب حال زن و داوری عرف معین می شود و ممکن است با مهر المسمی برابر یا متفاوت باشد توضیح اینکه، تعیین مهر در نکاح دائم از شرایط درستی عقد نیست و ممکن است موکول به تراضی بعد از آن شود یا در عقد زن اعلام کند که مهر نمی خواهد. همچنین در پاره ای موارد تراضی درباره مهر به دلیل مجهول ماندن موضوع آن یا مالیت نداشتن نفوذ حقوقی ندارد در نتیجه سوء تفاهم درباره مفاد پیشنهادی تراضی محقق نمی شود در چنین حالاتی است که مهرالمثل جایگزین مهرالمسمی می شود.<sup>(۱۵)</sup>

مواردی که به موجب قانون مدنی زن باید مهرالمثل بگیرد بدین ترتیب می توان خلاصه کرد:<sup>(۱۵)</sup>  
۱- در صورتیکه ضمن عقد سخنی از مهر گفته شود یا عدم استحقاق زن در گرفتن مهر شرط شده باشد پس از زناشوئی زن استحقاق مهرالمثل را دارد. ( ۱۰۸۷ قانون مدنی )  
۲- در صورتیکه تراضی طرفین در باب مهر المسمی به جهتی باطل باشد و برای مهر نتوان مثل یا قیمتی معین کرد مانند موردی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا به علت اشتباه و سوء تفاهم در مفاد پیشنهادها تراضی محقق نشود. در اینصورت نیز زن مهرالمثل می گیرد منتها استحقاق گرفتن این مهرالمثل منوط به وقوع زناشوئی نیست.  
۳- در موردی که نکاح باطل است، ولی زن از فساد آن اطلاع ندارد ، و در اثر جهل به حکم یا موضوع عقد، آن را درست می پنداشته است در این حالت، اگر زناشوئی واقع شده باشد، زن استحقاق گرفتن مهرالمثل را دارد.

## ۳- مهرالمتعه و تفاوت های آن با مهر المثل

هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از زناشوئی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد ، زن مستحق مهرالمتعه است ماده ( ۱۰۹۳ ق . م )  
برای تعیین مهرالمتعه دیگر شرافت و شایستگی و جمال زن مورد نظر نیست. مرد باید به تناسب ثروت خود مالی به زن بدهد. چنانکه ماده ۹۴. ق. م می گوید «برای تعیین مهرالمتعه، حال مرد از حیث غناد فقر، ملاحظه می شود»



بنابراین، مهرالتمعه و مهرالمثل در موردی معین می شود که یا در عقد ذکری از مهر نشده باشد یا تراضی طرفین در باب مهرالمسمی باطل اعلام شود. و از این حیث با هم شباهت دارند، ولی میان آنها سه تفاوت اساسی وجود دارد: (۱۶)

۱- در تعیین مقدار مهرالمثل صفات و حال زن ملاک است. ولی مهرالتمعه به تناسب دارایی مرد تعیین می شود.

۲- مهرالمثل بطور معمول در صورتی داده می شود که بین زن و مرد زناشوئی واقع شده باشد ولی مهرالتمعه اختصاص به نکاحی دارد که پیش از زناشوئی به طلاق منتهی گردد.

۳- استحقاق زن در گرفتن مهرالمثل بعد از زناشوئی ایجاد می شود، خواه زوجیت ادامه یابد، یا در اثر طلاق یا فوت یا فسخ نکاح منحل شود. ولی مهرالتمعه در صورتی به زن داده می شود که پیش از زناشوئی مرد و زن از هم جدا گردند.

پس اگر در اثر فوت یکی از زوجین یا عیوب مجوز فسخ نکاح یا درخواست طلاق از طرف زن نکاح از بین برود، زن حق مطالبه مهرالتمعه را ندارد.

#### ۴- مهرالسنه

مهرالسنه یا مهر سنت مهری است که پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (س) تعیین کرد. این مهر پانصد درم بود که معادل است با ۲۶۲/۵ مثقال پول نقره مسکوک به مثقال صیرفی (هر مثقال ۲۴ نخود) که اگر هر مثقال را ۵۰۰۰ ریال حساب کنیم، به پول امروز بالغ ۱۳۱۲۵۰۰ ریال خواهد شد.

شک نیست که قرارداد مهرهای سنگین در نکاح که متأسفانه امروز معمول شده است. اگر از نظر اسلام ممنوع نباشد لاقلاً ناپسند که است. گرانی و افزایش روزافزون مهر یکی از مشکلات ازدواج در عصر جدید است که باید چاره ای برای آن اندیشید.

آموزش و پرورش صحیح دختران و خانواده ها و تنویر افکار مردم و معتقد ساختن آنان به اینکه ازدواج یک معامله اقتصادی نیست و حیثیت و آبرو و خوشبختی دختر و گرمی کانون خانوادگی به زیادی مهر بستگی ندارد. بیش از اصلاح قانون می تواند در تعدیل مهر مؤثر باشد. (۱۷)

#### ۴- مهر نامچه

در کتاب ترمینولوژی حقوق به نقل از کتاب جامع الشتات از مهری نامبرده شده است که در کتابهای فقهی و حقوقی نامی از آن ذکر نشده است. تحت عنوان مهر نامچه که در توضیح آن جناب دکتر جعفری لنگرودی فرموده اند.

«در قدیم میزان مهر بر سندی عادی ضبط می شد (گاهی در آن اصل نکاح هم ضبط بود و گاهی فقط مهر ذکر می شد) که آن را مهر نامچه می گفتند.» (۱۸)

پس از ذکر اقسام مهریه و توضیحی مختصر درباره آنها اکنون لازم می آید که توضیحی کوتاه درباره ضمانت اجرای شرایط صحت مهریه، ارائه دهیم.

ضمانت اجرای شرایط صحت (۱۹)

هرگاه مهر فاقد یکی از شرایط صحت باشد باطل است ولی عقد صحیح است. مثلاً اگر مالی که به عنوان مهر تعیین شده، مجهول یا نامعین باشد، یا پس از عقد معلوم شود که در حین عقد وجود نداشته باشد، یا مهر مال غیر بوده و مالک آن را تنفیذ نکند. در اینگونه موارد مهر باطل است لیکن از آنجا که مهریه امر فرعی و تبعی است و از ارکان نکاح به شمار نمی آید. بطلان مهریه به صحت نکاح لطمه نمی زند.

حال باید دید در صورت بطلان مهرالمسمی، شوهر هر چه مالی باید به زن بدهد. ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی در این زمینه می گوید: «در صورتیکه مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد، یا ملک غیر باشد، در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود. مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.»

### آیا مهریه به عهده شخصی غیر از شوهر تعلق می گیرد؟

بعضی گفته اند: مالی معینی که مهر قرار داده می شود باید متعلق به شوهر باشد و اگر شخصی به جز شوهر (پدرشوهر) بخواهد مال خود را مهر قرار دهد، باید نخست آن را به شوهر منتقل کند تا شوهر بتواند آن را به عنوان مهر تعیین نماید. زیرا قاعده ای که در معاوضات مورد قبول است معوض در ملک هر کس داخل گردد عوض از ملکیت او خارج می شود. لیکن این نظر قابل تأمل است زیرا:

اولاً نکاح یک معاوضه حقیقیه و یک قرارداد مالی نیست تا احکام معاوضات و قراردادهای مالی درباره آن اجرا شود. ثانیاً در معاوضات و معاملات هم اشکالی بنظر نمی رسد که با توافق طرفین یکی از عوضین در ملک شخصی داخل گردد که عوض دیگر از مال او خارج نشده است چنانکه پدری برای پسر خود مالی بخرد و ثمن را از مال خود بپردازد.

بنابراین شخصی به جز شوهر می تواند مال خود را مهر قرار دهد یا تعهدی به عنوان مهر بنماید که می توان آن را تعهد ناشی از یک قرارداد سه جانبه دانست.<sup>(۱۹)</sup>

### عیب یا تلف مهریه

شوهر ضامن مهر است و تا وقتی که آن را به زن تسلیم نکرده مسئول عیب یا تلف آن است. ماده ۱۰۸۴ قانون مدنی در این زمینه مقرر می دارد: «هرگاه مهر معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.»

### مالکیت مهریه توسط زن

مالی که به عنوان مهریه قرار می گیرد، اگر عین معین باشد از لحظه عقد در ملک زن درآمده و کلیه مافع آن از هنگام عقد نکاح مال اوست و شوهر باید مال را به او تسلیم نماید.

هرگاه مالی که بعنوان مهریه قرار گرفته در ذمه شوهر باشد چنانچه اقساط یا مهلتی برای آن تعیین نشده باشد هر زمان، زن مطالبه کرد مرد باید به او بپردازد و الا در موعد تعیین شده باید آن مال به زن پرداخت شود هر زمان، زن مطالبه کرد مرد باید به او بپردازد و الا در موعد تعیین شده باید آن مل به زن پرداخت شود و در هر صورت اگر امر به طلاق منجر شد و مهریه به زن داده نشد

طبق قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ تبصره ۳ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر موکول به تأدیه مهر و دیگر حقوق زوجه می باشد مگر اینکه زوجه مهر خود را بخشیده و یا به تأخیر در پرداخت آن رضایت دهد، یا حکم قطعی بر اعسار شوهر صادر شده باشد.<sup>(۲۰)</sup>

قانونگذار در جهت حمایت از حقوق زن و رعایت وضع مالی او در سال ۱۳۷۶ تبصره ای را به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی الحاق کرد که به موجب آن: «چنانچه مهریه زوجه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در اجرای عقد به نحو دیگری تراض کرده باشند.»

نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه ای وجه رایج باشد و در زمان گذشته مورد تراضی قرار گرفته به قرار زیر است. براساس آئین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب مورخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیات مدیران نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه به ترتیب زیر می باشد.<sup>(۲۱)</sup>

$$\text{مبلغ مهریه در هنگام عقد} = \frac{\text{عددشاخص در آخرین سال}}{\text{عددشاخص در سال وقوع عقد}} \times \text{ارزش مهریه در حال حاضر}$$

بطور مثال اگر ازدواجی به مبلغ مهریه ۲۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۲ تحقق یافته و قرار باشد مبلغ مذکور در حال حاضر تأدیه گردد، برای محاسبه مبلغ مهریه در سال ۱۳۸۰ از رابطه ذیل استفاده می گردد.

براساس رابطه فوق و با توجه به اعداد شاخص که در جدول پیوست آمده است.

$$\text{مبلغ مهریه در هنگام عقد} = \frac{\text{عددشاخص در سال ۱۳۷۹}}{\text{عددشاخص در سال ۱۳۵۲}} \times \text{ارزش مهریه در ۱۳۸۰}$$

در نتیجه مهریه قابل پرداخت در سال ۱۳۸۰ از زمان تأدیه معادل ۲۴۹۵۴۶۸۷ ریال می شود. بدیهی است که تا سال محاسبه به پایان نرسد، صورت کسر فوق شاخص سال قبل خواهد بود و بعد از اتمام سال پرداخت و ورود به سال بعد شاخص سال قبل جایگزین خواهد گردید.

#### نتیجه

۱- قرار دادن مهریه به عنوان یکی از حقوق مالی اختصاصی برای زنان در کنار نفقه بیانگر این امر است که در اسلام نه تنها نسبت به زن بی توجهی یا کم توجهی نشده است بلکه بعضی از امتیازات ویژه مختص به زن است .

در قرآن بارها تاکید شده است به اینکه حقوق زنان را پایمال نکنید و حتی با تحت فشار قرار دادن آنها حقوق آنها را به زور از آنها سلب نکنید .

۲- در اسلام با قرار دادن مهریه به عنوان امتیاز مالی اختصاصی زنان نقص ناشی از سهم الارث زنان برطرف گشته است و نیز به زنان امکان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی از قبیل تجارت و غیره داده می شود و از طرف دیگر چنانچه او طلاق بین زوجین واقع گردد زن از جهت مالی تأمین می گردد و دچار سرگردانی و بی پناهی نمی شود .

۳- مرسوم نبودن مهریه در جهان غرب منجر به آن شده که غربیان به این تفکر دامن بزنند که مهریه بهای فروش زن می باشد لذا بحث حذف مهریه مطرح کنند . در حالیکه حذف مهریه نه تنها به شخصیت زن چیزی نمی افزاید بلکه موقعیت مالی زن را در جامعه نیز به خطر می اندازد. چرا که مردان در جامعه از استعدادهای جسمی خاصی برخوردار بوده و طبیعاً از نفوذ اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. از طرف دیگر مردان برای انتخاب مجدد همسر امکان بیشتری دارند نه در حالیکه زنان مطلقه با توجه به گذشت زمان از امکان کمتری برای انتخاب همسر و ازدواج مجدد بهره مند هستند.

#### پی نوشتها

- ۱- استاد مطهری- مرتضی- نظام حقوق زن در اسلام ص ۲۲۷
- ۲- استاد مطهری- مرتضی- نظام حقوق زن در اسلام ص ۲۳۳
- ۳- دکتر صفائی- سیدحسین و دکتر امامی اسدالله- مختصر حقوق خانواده ص ۱۴۸
- ۴- دکتر جعفری لنگرودی- محمدجعفر- ترمینولوژی حقوق ص ۷۰۲
- ۵- آیت الله شیرازی- مکارم- تفسیر نمونه- ج ۲ ص ۲۶۲
- ۶- آیت الله شیرازی- مکارم- تفسیر نمونه- ج ۲ ص ۲۶۲
- ۷- رسائی نیا- ناصر- حقوق خانواده- ص ۴۹
- ۸- رسائی نیا- ناصر- حقوق خانواده- ص ۵۰ و ۴۹
- ۹- دکتر صفائی- سیدحسین و دکتر امامی- اسدالله- مختصر حقوق خانواده ص ۱۴۸
- ۱۰- دکتر صفائی- سیدحسین و دکتر امامی- اسدالله- مختصر حقوق خانواده ص ۱۴۹
- ۱۱- دکتر کاتوزیان- ناصر- حقوق مدنی- ج ۱ - ص ۱۴۱-۱۴۰
- ۱۲- دکتر رسائی نیا- ناصر- حقوق خانواده- ص ۵۲ و ۵۱
- ۱۳- دکتر صفائی- سیدحسین و دکتر امامی- اسدالله- مختصر حقوق خانواده ص ۳-۱۵۲
- ۱۴- دکتر کاتوزیان- ناصر- حقوق مدنی- ج ۱ - ص ۱۵۰
- ۱۵- دکتر کاتوزیان- ناصر- حقوق مدنی- ج ۱ - ص ۱۵۰
- ۱۶- دکتر کاتوزیان- ناصر- حقوق مدنی- ج ۱ - ص ۱۵۱
- ۱۷- دکتر صفائی- سیدحسین و دکتر امامی- اسدالله- مختصر حقوق خانواده- ص ۱۵۲
- ۱۸- دکتر جعفری لنگرودی- محمدجعفر- ترمینولوژی حقوق- ص ۷۰۲
- ۱۹- دکتر صفایی- سیدحسین و دکتر امامی- اسدالله- مختصر حقوق خانواده- ص ۱۵۵

۲۰- دکتر مهرپور- حسین- مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی ص ۴۲

۲۱- حجتی اشرفی- غلامرضا- مجموعه قوانین و مقررات راجع به خانواده- ص ۷۵

### فهرست منابع

- ۱- دکتر جعفری لنگرودی - محمد جعفر - حقوق خانواده چاپ دوم ۱۳۷۶ انتشارات کتابخانه گنج‌دانش
- ۲- دکتر جعفری لنگرودی - محمد جعفر - ترمینولوژی حقوق - چاپ یازدهم - ۱۳۸۰ - انتشارات گنج دانش
- ۳- حائری شاه باغ - سید علی - شرح قانون مدنی ج ۲ - چاپ سوم ۱۳۸۲ - انتشارات کتابخانه گنج دانش
- ۴- حجتی اشرفی - غلامرضا - مجموعه قوانین و مقررات راجع به خانواده - چاپ سوم ۱۳۸۱ - انتشارات کتابخانه گنج دانش
- ۵- دکتر رسائی نیا - ناصر - حقوق خانواده - چاپ اول - ۱۳۷۹ - انتشارات بهینه
- ۶- آیت الله شیرازی - مکارم - تفسیر نمونه ج ۳ - چاپ نوزدهم - ۱۳۷۰ - ناشر - دارالکلیت الاسلامیه
- ۷- دکتر صفائی - سید حسین و دکتر امامی اسدالله - مختصر حقوق خانواده - چاپ سوم ۱۳۷۹ - نشر دادگستر
- ۸- دکتر کاتوزیان - ناصر - حقوق مدنی ج ۱ - چاپ سوم - ۱۳۷۱ - انتشارات مدرس
- ۹- استاد مطهری - مرتضی - نظام حقوق زن در اسلام - چاپ نهم - ۱۳۷۱ - انتشارات صدرا
- ۱۰- مهرپور - حسین - مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی - چاپ اول ۱۳۷۹ - انتشارات اطلاعات